

منع اعاده پناهندگان و لزوم حفظ وحدت خانواده

حسین نوروزی^۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

چکیده

اهمیت و شمول پدیده ی پناهندگی در طول تاریخ سیاسی و حقوقی ممالک مختلف و همچنین گسترش پدیده ی پناهندگی در سال های اخیر ضرورت پرداختن هرچه بیشتر بدان را عیان ساخته است. دین مبین اسلام به عنوان یک تمدن و فرهنگ قدیمی قرن ها پیش مفهوم عدم اعاده پناهنده را در آیه ی ده سوره ممتحنه به نمایش گذاشته است. با توجه به اینکه هر مسلمانی تبعیت از آیات نورانی قرآن را بر خود واجب می داند این موضوع در فرهنگ اسلامی به خوبی ملموس است. از طرفی مفهوم خانواده چه در حقوق بین الملل و چه در اسلام موضوعی اساسی و مهم می باشد. منع اعاده ی پناهندگان در خصوص خانواده کار کردهایی دارد که از جمله ایجاد حق وحدت مجدد خانواده پس از به رسمیت شناختن وضعیت پناهندگی را شامل می شود. براساس عرف بین المللی و اصول مسلم حقوق بین الملل منع بازگرداندن پناهنده ای که بازگردان وی خطرناک است به یک رویه ی واحد تبدیل شده است. و در سایه ی این حق حقوق بعدی نمایان می شوند. حق وحدت و پیوستگی خانواده یکی از این حقوق است. در طول سالیان گذشته، کشورها تمایل فزاینده ای را برای گسترش دامنه مسئولیت های خود در رابطه با خانواده در سطح بین المللی و منطقه ای نشان داده اند. به عنوان مثال دولت ها نه تنها برای محافظت از خانواده بلکه برای همکاری و حمایت از خانواده وظایفی را بر عهده گرفته اند. کشورها موافقت کرده اند که مقررات ویژه ای را برای محافظت از وحدت و ترویج وحدت مجدد خانواده های آسیب دیده از درگیری های

منع اعاده پناهندگان و لزوم حفظ وحدت خانواده

^۸ دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مسلحانه و خانواده‌هایی که عضوی کارگر در یک کشور خارجی دارند در نظر بگیرند. دولت‌ها مسئولیت‌های مشترک مرد و زن را به عنوان پدر و مادر، بدون در نظر گرفتن وضعیت تأهل، به رسمیت شناخته‌اند بنابراین بر حق و مسئولیت آنها برای مشارکت برابر در تربیت و رشد فرزندان تأکید می‌کنند

کلیدواژه‌گان: حقوق بین‌الملل، منع اعاده، پناهندگی، خانواده، وحدت خانواده

مقدمه

کمیسیون حقوق بین الملل در شصت و ششمین جلسه خود، در سال ۲۰۱۴ در مورد اخراج بیگانگان در پیش نویس ماده ۱۸ ضمن الزام به احترام به حق زندگی خانوادگی به شرح زیر تاکید کرد:

«کشور اخراج کننده باید به حق زندگی خانوادگی یک فرد بیگانه که در معرض اخراج است احترام بگذارد و در انجام این امر نباید خودسرانه یا غیرقانونی در اعمال چنین حقی دخالت کند.» پیش نویس ماده ۱۸ الزام دولت اخراج کننده را برای احترام به حق زندگی خانوادگی بیگانه ای که در معرض اخراج است، تعیین می کند که این حق در زمینه اخراج بیگانگان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در صورتی که به دلایل مختلف، اعضای خانواده قادر به پیروی از فرد اخراج شده جهت حضور در کشور مقصد نباشند به صرف اجبار یک بیگانه به ترک قلمرو یک کشور، ممکن است اخراج باعث تضعیف وحدت خانواده بیگانه شود.

همین عامل مهمی است که باعث شده قوانین و آیین دادرسی دولت های مختلف نیاز به در نظر گرفتن ملاحظات خانوادگی را به عنوان یک عامل محدود کننده در اخراج بیگانگان تشخیص دهند. از طرفی حق زندگی خانوادگی هم در اسناد جهانی و هم در کنوانسیون های منطقه ای برای حمایت از حقوق بشر گنجانده شده است. در سطح جهانی، ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می گوید: «الف. هیچ کس در معرض دخالت خودسرانه یا غیرقانونی در حریم خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات و همچنین حملات غیرقانونی به ناموس و شهرت وی قرار نخواهد گرفت. (تأکید اضافه شده است) ب. هر کس حق دارد از قانون در برابر چنین مداخلات یا حملاتی محافظت کند.» (International Covenant on Civil and Political Rights ۱۶ December ۱۹۶۶ by ۲۲۰۰ General Assembly resolution (A XXI)

حق داشتن خانواده به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر همواره در حقوق موضوعه و عرف بین‌المللی مطرح بوده است. زمانی که پناهنده از ترس جان کشور خود را ترک می‌کند نوعی تزلزل در خانواده ایجاد می‌شود که می‌بایست در راستای احقاق حق بشری مجدداً وحدت ایجاد شود. اگرچه حق پناهندگی و پناهندگی در کشور دیگر از حقوق فردی بشر است ('Everyone has the right to seek and to enjoy in other countries asylum from persecution.' Universal Declaration of Human Rights, UNGA Resolution ۱۹۴۸ Dec. ۱۰ A (III), ۲۱۷ (hereinafter 'Universal Declaration'), Art. ۱۴))، فرد پناهنده نباید جدا از خانواده خود دیده شود. نقش خانواده به عنوان واحد اصلی جامعه بشری تقریباً در همه فرهنگ‌ها و سنت‌های، از جمله فرهنگ حقوقی مدرن و جهانی حقوق بشر نهفته است. طراحان کنوانسیون ۱۹۵۱ در رابطه با وضعیت پناهندگان (Convention Relating to the Status of Refugees, ۱۹۵۱)، یک رژیم حمایتی را که بر اساس ترس شخصی در خصوص آزار و اذیت خانواده پناهنده پیش‌بینی شده بود، لحاظ کردند که در توصیه‌هایی کنفرانس دیپلماتیک که کنوانسیون را تصویب کرده است انجام شد. این کنفرانس از دولت‌ها خواست تا اقدامات لازم را برای حمایت از خانواده پناهندگان انجام دهند و اعلام کرد که وحدت خانواده یک حق اساسی پناهنده است (Final Act of the United Nations Conference of Plenipotentiaries on the Status of Refugees and Stateless Persons, Nov. ۲۶, ۱/Rev.۲/۱۰۸, UN doc. A/CONF.۱۹۵۱, Recommendation B۱۹۵۲). اسناد منطقه‌ای مربوط به پناهندگان چیز زیادی در مورد موضوع اتحاد خانواده ندارند. نه کنوانسیون OAU و نه کنوانسیون عربی در مورد تنظیم وضعیت پناهندگان در کشورهای عربی اشاره خاصی به پیوستن خانواده ندارند (OAU Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problems in Africa, adopted by the Assembly of Heads of State and Government at its Sixth Ordinary Session, Addis-Ababa, ۱۰ September ۱۹۶۹, available at: <https://www.unhcr.org/about-1969>, September

/oau-convention-governing-specific-٦٨٢a١dc٤٥us/background/
aspects-refugee-problems-africa-adopted.html). از سوی دیگر نتیجه

گیری III (١٣) اعلامیه کارتاخنا تصدیق می کند که پیوستن مجدد خانواده ی پناهنده یک
اصل اساسی است و باید مبنای رفتار بشردوستانه در کشور پناهنده باشد

کامل ترین مفاد وحدت خانواده در حقوق بین الملل عمومی در حقوق بشردوستانه

بین المللی وجود دارد. کنوانسیون چهارم ژنو در سال ١٩٤٩ توجه قابل توجهی به مشکلات

خانواده های پراکنده به دلیل جنگ اختصاص داد. (Fourth Geneva Convention,)

. See also, S. Jaquemet, Refugees in Armed Conflict: ٢٦, Art. ١٩٤٩

International Humanitarian Law and Refugee Protection (UNHCR,

Geneva, draft, pp. ١٩٩٩ (١٠٢-٧). کنوانسیون چهارم ژنو علاوه بر مقررات با

هدف حفظ وحدت خانواده در حین جابجایی یا تخلیه، سازوکارهایی مانند پیام های خانواده،

ردیابی اعضای خانواده و ثبت نام فرزندان را برای امکان برقراری ارتباط خانوادگی و در

صورت امکان، پیوند مجدد فراهم کرده است. (Fourth Geneva Convention,)

١٩٤٩, Art. ٨٠-٨٢, Art. ٤٩I b i d.,). در زمان اولین پروتکل الحاقی در سال ١٩٧٧،

کشورها مایل بودند مسئولیت خود را در قبال خانواده های جدا شده با پذیرفتن تعهد تسهیل

پیوند خانواده از هر طریق ممکن تقویت کنند. (Additional Protocol I, ١٩٧٧,)

. In addition to the provisions cited above, see ٧٤, Art. ٢٩ above n.

also Protocol II, Art. ١٩٧٧ (٤)٣(b).) پیوستن به خانواده نیز در توافق نامه هلسینکی

١٩٧٥ مطرح شد، البته به شکل یک اصل و نه یک تعهد. تنش های طولانی مدت جنگ سرد

و نگرانی غربی ها از نقض حق خروج از کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی، ارتباط بین

پیوند خانواده و آزادی حرکت را تشویق کرد تا حدی که در سال ١٩٨٩، کشورهای شرکت

کننده در نشست کنفرانس امنیت همکاری در اروپا (CSCE) موافقت کردند که در یک

برنامه عادی طی سه ماه در مورد برنامه های الحاق خانواده تصمیم گیری شود.

(https://www.osce.org/files/f/documents/a/٧/٤٠٨٨١.pdf)

با به رسمیت شناخته شدن به عنوان پناهنده، یک دلیل اولیه برای پذیرش اعضای نزدیک خانواده پناهنده در کشور پناهنده ایجاد می شود. اتحاد مجدد در یک کشور پناهنده تنها راه تأمین حق وحدت خانواده برای پناهندگانی است که طبق تعریف نمی توانند به کشور مبدا خود بازگردند. علی رغم وجود مشکلات در اجرای این حق، این امر به طور کلی در عمل دولت پذیرفته شده است. با توجه به حق وحدت خانواده، در کنوانسیون ۱۹۵۱ اما اشاره خاصی به اتحاد خانواده وجود ندارد و این حق از تعامل کنوانسیون ۱۹۵۱ با سایر قوانین ناشی می شود. علاوه بر این، برخی از اصول الحاق خانواده به ویژه مربوط به افرادی که به حمایت بین المللی احتیاج دارند، وجود دارد که در کنوانسیون های مربوط به حقوق کودک (کنوانسیون حقوق کودک در ماده ۲۲(۲) اشعار می دارد: برای ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده ی هر کودک پناهنده به منظور به دست آوردن اطلاعات لازم برای پیوستن به خانواده خود.... و نیز منشور آفریقایی در مورد حقوق و رفاه کودک نیز اشاره می دارد که کشورهای عضو متعهد خواهند شد که با سازمان های بین المللی موجود که از پناهندگان محافظت و کمک می کنند در تلاش برای محافظت و کمک به چنین کودکی به منظور کسب اطلاعات لازم برای پیوستن به خانواده و ردیابی والدین یا بستگان نزدیک یک کودک پناهنده بی همراه همکاری کنند.)، در ابزارهای حفاظت منطقه ای در اروپا و آمریکای مرکزی (مجمع پارلمان ی شورای اروپا، توصیه ۱۳۲۷ در ۲۴ آوریل ۱۹۹۷، در مورد حمایت و تقویت حقوق بشر پناهندگان و پناهجویان در اروپا، بند ۸ و نیز اعلامیه کارتاخنا درباره پناهندگان، ۱۹۸۴ (مراجعه به مجموعه اسناد بین المللی و سایر اسناد حقوقی مربوط به پناهندگان و آوارگان (UNHCR)، ژنو، ۱۹۹۵، جلد ۲ صص ۲۰۶-۱۱)، در نتیجه گیری می گوید: «تصدیق می شود پیوستن به خانواده ها یک اصل اساسی در مورد پناهندگان است که باید مبنای رژیم رفتار بشردوستانه در کشور پناهنده و همچنین تسهیلاتی باشد که در موارد بازگشت داوطلبانه اعطا می شود.»، و مقررات مربوط به آوارگان داخلی تدوین شده است. کمیته اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نیز در موارد مختلفی به مسئله پیوستن

خانواده پناهندگان پرداخته است. خانواده به طور جهانی به عنوان واحد اصلی گروه جامعه شناخته شده و از حمایت و کمک جامعه و دولت برخوردار است. (UNHCR's Global Consultations on International Protection (edited by Erika Feller, Volker Türk and Frances Nicholson, Cambridge University Press, ۲۰۰۳.)

حق زندگی خانوادگی در سطح جهانی و منطقه ای و همچنین در بسیاری از اسناد قانونی ملی به رسمیت شناخته شده است. حق وحدت خانوادگی ذاتی حق خانواده است. این حق، فارغ از جایگاه، در مورد همه انسان ها اعمال می شود. اما تعداد کمی از ابزارهای حقوق بشر در مورد چگونگی و محل اجرای این حق در رابطه با خانواده هایی که از مرزهای بین المللی جدا شده اند صریح است. برای پناهندگان و کسانی که می خواهند از آنها محافظت کنند، حق وحدت خانوادگی به معنای حق الحاق خانواده در یک کشور پناهنده است، زیرا پناهندگان نمی توانند با خیال راحت به کشورهای مبدا خود برگردند تا از حق زندگی خانوادگی در آنجا برخوردار شوند. وحدت خانواده پناهنده یک حق قانونی و یک اصل بشردوستانه است. این همچنین یک چارچوب اساسی برای حفاظت و رمز موفقیت در راه حل های با دوام برای پناهندگان است که می تواند چیزی در حدود زندگی عادی را به آنها بازگرداند. پناهندگان در روند فرار از آزار و شکنجه از طرف خطرات متعددی تهدید می شوند که یکی از آنها خطر واقعی جدایی از خانواده هایشان است. برای افرادی که به عنوان پناهنده از حمایت کشور خود برخوردار نیستند، قطع ارتباط با اعضای خانواده ممکن است منبع اصلی محافظت و مراقبت آنها را مختل کند و یا به همان اندازه ناراحت کننده باشد، و باعث می شود افرادی که در مورد پناهنده عمیقاً مسئولیت پذیر هستند را از دسترس خارج کند.

رویه عمومی دولت ها و چارچوب قوانین وحدت خانواده

حتی در کشورهایی که مقررات خاصی در رابطه با وحدت خانوادگی یا اتحاد مجدد خانواده دارند، رویه های طولانی و پیچیده خانواده های آسیب دیده را دچار سختی می کند و منابع انسانی بی حد و حصر را از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد و سازمان های دیگری که به آنها کمک می کند طلب می کند.

در بسیاری از کشورهای عضو کنوانسیون پناهندگان، یک زمینه ی قضایی طولانی مدت وجود دارد که اصل وحدت خانواده را تأیید می کند. در بلژیک، در پرونده case of Tshisuaka and Tshilele v. Belgium، دادگاه بلژیک به دلیل وحدت خانوادگی از اخراج همسر یک پناهجوی کنگوئی امتناع ورزید (Tshisuaka and Tshilele v. Belgium No. ۳۹۲۲۷, reported Apr. ۲۱ ۱۹۹۲, available at: www.assets.cambridge.org/0521834/frontmatter/4945/0521834_frontmatter.pdf). چندین کشور دیگر اتحادیه اروپا نیز اصل وحدت خانواده را به عنوان یک حق اساسی بشری برای همه از جمله پناهندگان پذیرفته اند.

با این حال، مطابق دیدگاه استرالیا، عدم وجود هیچ ماده ای در رابطه با وحدت خانواده یا اتحاد خانواده در کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ نشان می دهد که بنیانگذاران آماده پذیرش تعهدات بی قید و شرط در مورد خانواده های پناهندگان نبوده اند. طبق گفته استرالیایی ها (An Australian / Interpreting the Refugees Convention Perspective, ۱۷۸, available at: <http://www.immi.gov.au>), تدوین کنندگان کنوانسیون پناهندگان در سال ۱۹۵۱ این موضوعات را در نهایت به قضاوت کشور پناهنده واگذار کردند که عمدتاً توسط قانون ملی پناهندگی و مهاجرت و سیاست های مربوط به معیارهای پذیرش در چارچوب قوانین بین المللی تعیین می شود. علیرغم چارچوبی که در قوانین بین المللی ارائه شده است، کشورهایی که تمایلی به پذیرش ورودی بیگانه ندارند،

حاشیه‌ی امنی را برای طفره رفتن از مکانیسم‌های واقعی حمایت از خانواده برای خود ایجاد کرده‌اند. قوانین ملی پناهندگی و مهاجرت در بسیاری از موارد موانع زیادی را برای اتحاد خانواده‌ی پناهندگان ایجاد می‌کند. قانون در بسیاری از موارد موانعی را در برابر اتحاد خانواده ایجاد می‌کند، زیرا این امر معمولاً زمینه را برای اختیارات اداری قابل توجهی فراهم می‌کند، که ممکن است به نفع یا علیه خانواده‌های پناهنده باشد که امیدوارند دوباره به هم پیوندند.

دولت‌ها باید رویه‌های اداری ساده و استاندارد را برای اطمینان از وحدت خانواده و اتحاد مجدد، با رویه‌های سریع در موارد مربوط به کودکان بدون همراه و جدا شده، ایجاد کنند. دولت‌ها باید منابع کافی را برای کارکنان، آموزش، ردیابی، هزینه‌های سفر، معافیت از هزینه‌ها، الزامات آزمایش و سایر هزینه‌های مربوط به وحدت خانواده و اتحاد مجدد اختصاص دهند. هیات‌های دیپلماتیک در خارج از کشور معمولاً از مفاد قانون ملی پناهندگان آگاهی ندارند یا نسبت به آنها بی‌تفاوت هستند. به عنوان مثال، ایالات متحده به کارمندان سفارت خود اجازه می‌دهد موارد حفاظت فوری را برای وحدت و اسکان مجدد ارجاع دهند اما متوجه می‌شود که این کانال ارتباطی تقریباً هرگز استفاده نمی‌شود. از دفاتر میدانی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد مرتباً خواسته می‌شود تا در مواردی که مطابق قوانین یا مقررات کشوری که ورود به آن جهت درخواست وحدت خانوادگی مطلوب بوده و به اشتباه و نادرست رد شده است، مداخله کنند. تصحیح چنین تصمیماتی به همکاری نزدیک دفاتر میدانی در دو یا چند کشور محل اقامت خویشاوندان جدا از هم نیاز دارد.

در برخی از کشورها، از جمله کشورهای شمال اروپا، درخواست‌های اتحاد مجدد را باید در قالب یک شکل و درخواست دیپلماتیک در خارج از کشور آغاز کنند، همانطور که به طور کلی در کشورهای دیگری که هیچ روش الحاق خانواده ندارند نیز چنین است. اگر در اولین کشور پناهندگی هیچ سفارت یا کنسولگری وجود نداشته باشد، این امر می‌تواند باعث دشواری بیشتر و تأخیر شود زیرا ارتباطات و حمل مدارک از راه دور انجام می‌شود. روند

وحدت خانواده‌های پناهندگان که در پایتخت یا در نزدیکی آن ساکن نیستند به دلیل نیاز به مصاحبه‌های متعدد و ارائه اسناد در سفارت، کند و بسیار پرهزینه پیش می‌رود.

مشکلات مالی پایدارترین مانعی است که در برابر وحدت و اتحاد مجدد خانواده وجود دارد. برخی از کشورها پناهندگان را ملزم می‌کنند که برخی از نیازهای درآمد خود را برآورده کنند. دولتی دیگر اجتماع خانوادگی را به طور رسمی منوط به داشتن محل اقامت متقاضی به اندازه کافی می‌کند (اگرچه در عمل پیش بینی می‌شود پناهندگان حداقل در مورد همسر و فرزندان خردسال از این شرط معاف شوند). با این حال، در بسیاری از کشورها، قوانین مهاجرتی که به سطح خاصی از درآمد، مسکن و غیره نیاز دارد، در مورد پناهندگان اعمال نمی‌شود. در سطح منطقه‌ای پیشنهاد اصلاح شده بخشنامه شورای حقوق بشر در اتحادیه اروپا، عملکرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا را با این استاندارد هماهنگ می‌کند و تاکید می‌کند الزامات مربوط به درآمد، شغل، محل اقامت، مدت اقامت و وضعیت بهداشتی باید به طور خاص برای خانواده‌های پناهنده لغو شود. (European Commission, Amended Proposal for a Council Directive on the Right to Family available on: <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/bf4e470f2c239-661-b4a43-007-a70e97ef3detail/publication/>)

کشورهایی که اصول وحدت خانواده و اتحاد خانواده را در آن گنجانده‌اند، این کار را با انواع مقررات قانونی و اداری انجام داده‌اند. (UNHCR, 'Integration Rights and Practices with Regard to Recognized Refugees in the Central and Eastern European Countries', European Series, vol. ۵, No. ۱, ch. VI ۲۰۰۰, ۱). عناصر اساسی را می‌توان به سادگی بیان کرد، همانطور که در قانون بوسنی و هرزگوین وجود دارد: (بوسنی و هرزگوین، قانون مهاجرت و پناهندگی، ۱۹۹۹، ماده ۵۴ و نیز قانون پناهندگان عراق، شماره ۵۱-۱۹۷۱، ماده ۱۱،۳، حتی مختصرتر است: «شخصی که به عنوان پناهنده در عراق پذیرفته شده است مجاز است اعضای خانواده خود را که از نظر قانونی تحت عنوان افراد تحت تکفل شناخته می‌شوند، بیاورد.»)

وضعیت پناهنده در اصل به همسر و خردسال نیز تعمیم می یابد. فرزندان و همچنین سایر افراد تحت تکفل، اگر در یک خانه زندگی می کنند. ویزاهای ورود به این افراد وابسته به افرادی که به آنها پناهندگی اعطا شده است، ارائه می شود. ساختارهای پیچیده تری را می توان یافت، برای مثال، در قانون ایالات متحده، که سه مجرای مختلف را برای اتحاد خانواده پناهندگان فراهم کرده است.

اولاً، یک سیستم اولویت به برخی از پناهندگان در مورد خویشاوندان شان در ایالات متحده داده شده که امکان ترجیحی برای وحدت مجدد را می دهد، در صورتی که درخواست شان مبتنی بر ترس از آزار و شکنجه باشد.

ثانیاً، برنامه ویزا برای بستگان پناهندگان براساس رابطه و وابستگی آنها نسبت به پناهنده که نیازی نیست صرفاً بخاطر ترس از آزار و اذیت برای پیوستن به وی اقدام کنند.

ثالثاً، وضعیت مهاجرت خانوادگی به طور منظم برای کلیه افراد مقیم دائم در دسترس است که به طور معمول یک سال پس از اسکان مجدد در ایالات متحده در دسترس پناهندگان

است. (<https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=granuleid:USC->
 &edition=prelim.&num=۱۱۵۹-section&prelim-title الزامات غیر واقعی یا بیش از حد سختگیرانه اسناد یک مشکل گسترده در اعمال قوانین اتحاد خانواده است. در حالی که دولت ها نگرانی های قانونی در مورد کلاهبرداری دارند، باید یادآوری شود که پناهندگان اغلب در موقعیتی نیستند که بتوانند اسنادی مانند گذرنامه یا سند ازدواج، طلاق، تولد و گواهی فوت را بدست آورند. زنان و دختران برخی از کشورهایی که آمار بالایی از پناهندگی دارند، (مانند افغانستان)، بسیار کمتر از مردان دارای اسناد معتبر سفر هستند. به عنوان مثال، در بلاروس، که مقررات وحدت خانوادگی را در قوانین ملی خود دارد، در چندین مورد از زوج های متاهل بدون فرزند خواسته شده است که مدارک مستند ازدواج خود را ارائه دهند. (قانون جمهوری بلاروس در مورد پناهندگان، ۱۹۹۵، ماده ۱۰،

روش تعیین وضعیت بیگانگان به عنوان پناهنده. همچنین، به فرمان رئیس جمهور بلاروس، شماره ۲۲۹، ۲۴ نوامبر ۱۹۹۴، ماده ۱۰: در مورد تصویب آیین نامه نحوه اعطای پناهندگی به اتباع خارجی و افراد بی تابعیت.) دولت‌ها باید با جایگزین کردن اسناد و مدارک دیگر به جای اسناد موجود، انعطاف‌پذیری را در الزامات اسناد حفظ کنند. مدارک هویتی در تعیین وضعیت باید برای اهداف اتحاد قطعی خانواده باشد.

برخی از دولت‌ها قبل از اینکه اجازه درخواست برای پیوستن به خانواده را به یک پناهنده بدهند معتقدند که وی باید مدت زمان مشخصی اقامت داشته باشد یا به وضعیت خاصی رسیده باشد. کشورها باید با به رسمیت شناختن وضعیت پناهنده و حقوق متناظر با آنها برای پیوستن به خانواده، وضعیت اقامت دائم را به آنها اعطا کنند.

بسیاری از دولت‌ها، وضعیت موقت، مانند اجازه‌ی استثنایی برای ماندن، در انگلستان (Exceptional Leave to Remain) (ELR)، حقی برای پیوستن به خانواده را منتقل نمی‌کند، اگرچه وزارت کشور انگلیس پس از چهار سال نگه داشتن این وضعیت، یک درخواست را بررسی می‌کند. متقاضیان باید نشان دهند که امکانات لازم برای حمایت و اسکان بستگان را بدون مراجعه به بودجه عمومی دارند. به بیشتر دارندگان ELR ممکن است پس از چهار سال اجازه‌ی ماندن نامحدود داده شود، اگرچه کسانی که با اجازه‌ی ماندن نامحدود، باقی مانده‌اند هنوز مجبورند برای آوردن بستگان‌شان در کنار خود بررسی‌های مورد نیاز جهت احراز پشتیبانی و حمایت از آنها را پشت سر بگذارند. (Immigration Directorate, 'Instructions', Dec. ۲۰۰۰, ch. ۱۱, section ۲, exceptional leave to enter/remain, settlement, and family reunion, Art. ۱, ۳, ۴).

برخی ترتیبات قانونی برای حصول اطمینان از وحدت خانواده و وحدت مجدد بر هیچ یک ترجیح داده نمی‌شود، اما مقررات مهاجرتی به طور کلی در زمینه پناهندگی کافی نیست. اجرای حق وحدت خانوادگی و اتحاد مجدد در چارچوب حقوق پناهندگان، شامل

تعهد حفاظت، جهت گیری به سمت راه حل های با دوام و تعهد انسانی برای بازسازی زندگی پناهندگان است، که هیچ یک از آنها به طور معمول بخشی از برنامه های منظم مهاجرت نیست. در غیاب مقررات قانونی یا اداری مربوط به پناهندگان، دشوار است که در مورد یک رویکرد مبتنی بر حقوق در اتحاد خانواده و اتحاد مجدد خانواده صحبت شود که شرایط مختلف پناهندگان و مهاجران را در نظر می گیرد.

وحدت خانواده پناهندگان در برخی از کشورها در اولویت قرار نگرفته است، لذا سیاست ها و رویه ها اعمال نشده است. دفاتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان پناهندگان در این کشورها تلاش می کنند تا روش هایی را با مقامات محلی ایجاد کنند تا به صورت موردی راه حل هایی برای چنین موضوعاتی پیدا کنند. یکی از دفترهای کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در امور پناهندگان سازمان ملل متحد گزارش داده که چنین تلاش هایی واقعاً زمان بر است و ترس همیشگی از مواجه شدن با یک وضعیت طولانی وجود دارد. (UNHCR field office reports June ۲۴ ۲۰۰۱).

از آنجا که حق وحدت خانواده در حقوق بین الملل عمومی گسترش یافته است، نمی توان آن را با مقررات یا فقدان آن در زمینه پناهندگان محدود کرد. حق وحدت خانوادگی در مورد همه انسانها صرف نظر از جایگاه آنها اعمال می شود. (See e.g., HRC, ۲۷th session, ۱۹۸۶, General Comment No. ۱۵ on the Position of Aliens (under the Covenant, para. ۷. وحدت خانواده به عنوان بدیهی ترین و بنیادی ترین گروه جامعه، یک حق اساسی پناهنده است و چنین وحدتی مدام مورد تهدید قرار می گیرد، و طبق تفسیر رسمی کمیته موقت در مورد عدم تابعیت و مشکلات مربوط به آن، حقوق اعطایی به یک پناهنده به اعضای خانواده وی تعلق می گیرد، به دولتها توصیه می شود اقدامات لازم را برای حمایت از آنها انجام دهند. خانواده پناهنده، به ویژه با توجه به:

۱. اطمینان از حفظ وحدت خانواده پناهندگان به ویژه در مواردی که سرپرست خانواده شرایط لازم را برای پذیرش در یک کشور خاص داشته باشد.

۲. حمایت از پناهندگان خردسال، به ویژه کودکان و دختران بی سرپرست، با اشاره ویژه به سرپرستی و فرزندخواندگی.

در حالی که این توصیه غیرالزام آور است، اما توصیف آن در مورد وحدت خانواده به عنوان یک حق اساسی در این مرحله اولیه از تدوین قانون بین‌المللی حقوق بشر شاهدهی برهه‌ف تهیه‌کنندگان از تدوین کنوانسیون ۱۹۵۱ است و باید همراه با هدفی که در مقدمه کنوانسیون بیان شده است خوانده شود تا پناهندگان را در استفاده گسترده از حقوق و آزادی‌های اساسی خود لحاظ کند. کشورهای عضو کمیته اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در این هدف مشترک بوده و آن را پیش بردند. در نتیجه‌ی این امر کمیته اجرایی با شروع اولین جمع‌بندی که در سال ۱۹۷۵ تصویب شد (Executive , para. f. See also, ۱۹۷۵(XXVI), ۱ Committee, Conclusions Nos. (XLVIII), ۸۴; ۱۹۸۱(XXXII), ۲۴; ۱۹۷۷(XXVIII), ۹ Conclusions Nos. ۱۹۹۷ (XLIX), ۸۵; ۱۹۹۹(L), ۸۸, paras. u-x). بارها و بارها بر اهمیت اقدامات دولت برای حفظ یا برقراری مجدد اتحاد خانواده پناهندگان تأکید کرد. کمیته اجرایی همچنین مساله وحدت خانواده را کاملاً در فضای مناسب حقوق بین‌المللی خود قرار داده است. به ویژه در این زمینه اعتراف به اهمیت کنوانسیون حقوق کودک در چارچوب قانونی برای حمایت از کودکان و نوجوانان پناهنده قابل توجه بود.

نتیجه‌گیری

منطبق بر موازین حقوق بشری و انسانی، اصل عدم اعاده از اقدامات مستقیم و غیرمستقیم که فرد را مجبور به ترک محل مورد اقامت خود که در فرار از آزار و اذیت بدانجا پناه برده محافظت می‌کند. اصل مذکور نه تنها بازگشت مستقیم و اجباری افراد در موقعیت

های فوق الذکر را ممنوع می کند، بلکه اقدامات غیرمستقیمی را نیز که تأثیر مشابه دارند، منع می کند.

کشورها وظیفه تضمین حق فرد در محافظت در برابر منع اعاده را دارند، لذا اولین تعهد و مسئولیت دولت در برابر فرد، احترام به اصل منع اعاده است. ممنوعیت های منع اعاده به هر رفتاری اطلاق می شود که به موجب آن فرد مربوطه در معرض خطر آسیب دیدگی خاص قرار گیرد. پیش فرض اساسی منع بازگرداندن این است که بیگانه خود را در امنیت کشوری می یابد که در نتیجه آن، دولت مسئول تضمین محافظت در برابر منع اعاده است. تعهدات خاص ناشی از این مسئولیت به شرایط عینی بستگی دارد و ضروری است که تعهدات مربوط به حق فرد باشد تا در برابر منع اعاده محافظت شود. به عبارت دیگر، تعهدات باید منجر به حمایت موثر شود و ممکن است شامل وظایف فردی یا چندگانه باشد. یک کشور ممکن است در راستای ایفای تعهدش اقداماتی انجام دهد و یا از اقداماتی خودداری کند. بنابراین، یک کشور ممکن است هر دو شکل تعهدات منفی و مثبت برای اطمینان از حمایت موثر داشته باشد. تعهدات منفی شامل چنین تعهداتی است: عدم اخراج، بازگرداندن، استرداد یا روش دیگر که مستقیم یا غیرمستقیم از طریق کشور ثالث شخص را به زور به کشوری که در معرض آسیب جدی قرار دارد منتقل کند.

ممانعت از استیفای حق وحدت خانواده ی پناهنده، توسط یک دولت ممکن است موجب مسئولیت بین المللی یک دولت شود. دادگاه اروپایی حقوق بشر امکان جبران خسارت را از دولت یا دیوان فراهم کرده است. کمیته وزیران شورای اروپا در بند ۴ قطعنامه (۶۷) در سال ۱۹۶۷ به مسئولیت مشترک دولت ها در قبال بحران های حادث شده واکنش نشان می دهد: «در مواردی که به دلیل اقدام یک کشور مطابق با توصیه های ماده ی دو و سه برای کشور عضو مشکلاتی پیش می آید، سایر دولت های عضو باید با روحیه همبستگی اروپایی و مسئولیت مشترک در این زمینه، به صورت جداگانه یا همکاری به ویژه در چارچوب شورای اروپا اقدامات مناسب برای غلبه بر چنین دشواری هایی را انجام

حقوق بشر روشن ساخته است که پناهندگان در مقررات بین المللی حمایت از خانواده گنجانده شده اند و حق آنها برای پیوستن به خانواده تحت برخی شرایط ممکن است منجر به تعهد دولت شود که سنگین تر و شدیدتر از منافع دولت در کنترل مرزها می باشد. طبق کنوانسیون کارگران مهاجر (International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families: Adopted by General Assembly resolution ۱۵۸/۴۵ of ۱۸ December ۱۹۹۰).

www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/cmw.aspx
)، که هنوز لازم الاجرا نیست، کشورها باید تدابیری را اتخاذ کنند که زمینه را برای تسهیل اتحاد مجدد خانواده ها فراهم نماید. (ماده ۴۴ از کنوانسیون پیش گفته، در بخش دو و سه اشعار می دارد:

۲. کشورهای عضو اقداماتی را در راستای تسهیل اتحاد مجدد کارگران مهاجر با همسرانشان یا اشخاصی که با کارگر مهاجر رابطه ای برقرار می کنند که مطابق قانون قابل اجرا، تأثیراتی معادل ازدواج و همچنین با فرزندان مجرد وابسته خردسال آنها دارد انجام می دهند که صلاح می دانند و در صلاحیت آنهاست.

۳. دولت های استخدام کننده کارگران، به دلایل بشردوستانه، به طور مطلوب در نظر می گیرند که به همان ترتیب مندرج در بند ۲ این ماده، رفتار مساوی با سایر اعضای خانواده کارگران مهاجر انجام شود. ریشه ی اصلی پیوستن به خانواده در قوانین بین المللی حقوق بشر در کنوانسیون حقوق کودک یافت شده است، ماده ۱۰(۱) آن، حق الحاق خانواده برای فرزندان خردسال و والدین آنها را تدوین نموده است. (مطابق با تعهدات کشورهای عضو و طبق ماده ۹ بند ۱ کنوانسیون حقوق کودک) (کودکی برخلاف میل آنها از والدین خود جدا نشود) اشعار می دارد: درخواست های کودک یا والدین وی برای ورود یا خروج از یک کشور عضو به منظور اتحاد خانواده توسط کشورهای عضو می بایست با روشی مثبت، انسانی و سریع انجام شود. اینکه تعداد کمی از کشورها نسبت به ماده الحاق

به خانواده حق شرط گذاشته اند، تأیید می‌کند که کنوانسیون یک وظیفه کلی را که همان اجازه ورود به منظور پیوستن به خانواده می‌باشد تحمیل کرده است. اگرچه رویه عمومی دولت‌ها در اینجا یکسان نیست اما عدم اجازه در پیوستن به خانواده بیشتر به عنوان نقض حق تلقی می‌شود، تا اینکه شاهی مبنی بر عدم وجود حق مذکور باشد. کمیته حقوق کودک در این مورد هم ورود می‌کند و از زبان تقریباً محرمانه‌ای در این زمینه استفاده کرده است. به لحاظ رابطه‌ی بین منع اعاده و وحدت مجدد خانواده اگرچه در بادی امر ممکن است ارتباطی یافت نشود اما در سایه‌ی مطرح شدن هرچه بیشتر اصل منع اعاده سایر اصول و حقوق در نظر گرفته شده برای پناهندگان نمود بیشتری یافت. لازم به ذکر است که حق وحدت خانواده در سیمای حقوق پناهندگان نیز اگرچه در ظاهر به این بستگی دارد که فرد پناهنده مشمول تعریف مقرر مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱ باشد اما به خوبی دیدیم که حق منع اعاده فراتر از کنوانسیون یک مقرر مندرج در کنوانسیون‌های حقوق بشری دیگری نیز ذکر شده بود لذا می‌توان این گسترده‌گی شمول را به حق وحدت خانواده نیز تسری داد. منع اعاده‌ی پناهندگان در وهله‌ی اول فرد پناهنده را از مواجه شدن با آزار و اذیت در کشور مبدا بازمی‌دارد و ضمن تثبیت حق سکونت فرد متقاضی در کشور پذیرنده زمینه را برای اجرای حقوق بعدی وی هموار می‌سازد.

فهرست منابع

١. Annual Tripartite Consultations On Resettlement Geneva, ٢٠-٢١ June ٢٠٠١/Protecting the Family: Challenges in Implementing Policy in the Resettlement Context /pp١-١٢.
٢. Council of Europe: Committee of Ministers, Resolution (٦٧) ١٤ : Asylum to Persons in Danger of Persecution, ٢٩ June ١٩٦٧, ١٤ (١٩٦٧), available at: <https://www.refworld.org/docid/٣ae٦b٣٨١٦٨.html>
- Tshisuaka and Tshilele v. Belgium No. ٣٩٢٢٧ (Apr.٢,١٩٩٢), reported ١٩٩٢, available at: www.assets.cambridge.org/٠٥٢١٨٣/٤٩٤٥/frontmatter/٠٥٢١٨٣٤٩٤٥_frontmatter.pdf.
٣. European Commission, Amended Proposal for a Council Directive on the Right to Family Reunification/available on op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/٣ef٩٦e٧٠-a٠٠٦-٤٣a٤-b٦٦١-٢٣٩c٢f٤٤٧٠-bf
٤. European Commission, Amended Proposal for a Council Directive on the Right to Family Reunification,available on: <https://op.europa.eu/en/publication-detail/-/publication/٣ef٩٦e٧٠-a٠٠٦-٤٣a٤-b٦٦١-٢٣٩c٢f٤٤٧٠-bf>
٥. Fourth Geneva Convention, ١٩٤٩, Art. ٨٠-٨٢ Ibid., Art. ٤٩. Additional Protocol I, ١٩٧٧, above n. ٢٩, Art. ٧٤. In addition to the provisions cited above, also Protocol II, ١٩٧٧ Art. ٤(٣)(b).
٦. Executive Committee, Conclusions Nos. ١ (XXVI), ١٩٧٥, para. f. See also, Concluions Nos. ٩ (XXVIII), ١٩٧٧; ٢٤ (XXXII), ١٩٨١; ٨٤ (XLVIII), ١٩٩٧; ٨٥ (XLIX), ١٩٩٨, paras. u-x; ٨٨ (L), ١٩٩٩.
٧. G. S. Goodwin-Gill, 'Protecting the Human Rights of Refugee Children: Some Legal and Institutional Possibilities', in Children on the Move: How to Implement their Right to Family Life (eds. J. Doek,

H. van Loon, P. Vlaardingerbroek, Martinus Nijhoff, The Hague, ۱۹۹۶), p. ۹۷.

۸. HRC, General Comment No. ۱۹, para. ۵. See also, Caritas Europa-Migration Commission/Churches' Commission for Migrants in Europe/Commission of the Bishops' Conferences of the European Community/International Catholic Migration Commission /Jesuit and Refugee Service Europe, 'Position on the Amended EU Commission Proposal for a Council Directive on the Right to Family Reunification', Nov. ۲۰۰۰, para. ۲,۳; and E. F. Abram, 'The Child's Right to Family Unity in International Immigration Law,' ۱۷(۴) Law and Policy, ۱۹۹۵, p. ۴۰۷.

۹. HRC, General Comment No. ۱۹, para. ۵.

۱۰. HRC, ۲۷th session, ۱۹۸۶, General Comment No. ۱۵ on the Position of Aliens under the Covenant, para. ۷.

۱۱. International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of Their Families: Adopted by General Assembly resolution ۱۵۸/۴۵ of ۱۸ December ۱۹۹۰. www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/cmw

۱۲. Interpreting the Refugees Convention, An Australian Perspective, p ۱۷۸ available at: <http://www.immi.gov.au>.

۱۳. International Covenant on Civil and Political Rights ۱۶ December ۱۹۶۶ by General Assembly resolution ۲۲۰۰ A (XXI)

۱۴. OAU Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problems in Africa, adopted by the Assembly of Heads of State and Government at its Sixth Ordinary Session, Addis-Ababa, ۱۰ September ۱۹۶۹, available at: <https://www.unhcr.org/about-us/background/۴۵dc۱a۶۸۲/oau-convention-governing-specific-aspects-refugee-problems-africa-adopted.html>.

۱۵. Universal Declaration, Art. ۱۲; ECHR, Art. ۸; ICCPR, Art. ۱۷; ACHR, Art. ۱۱(۲); Convention on the Rights of the Child, ۱۹۸۹, UNGA Res. ۴۴/۲۵, ۲۰ Dec. ۱۹۸۹ (hereinafter 'CRC'), Art. ۱۶, ۲۷

١٦. UNHCR, 'Integration Rights and Practices with Regard to Recognized Refugees in the Central European Countries', European Series, vol. ٥, No. ١, ٢٠٠٠, ch. VI

١٧. <https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=granuleid:USC-prelim-title٨-section١١٥٩&num=٠&edition=prelim>

١٨. Vienna Convention on the Law of Treaties, ١٩٦٩, ١١٥٥ UNTS ٣٣١, Art. ٣١(٣). see Legal Opinion by E. Lauterpacht and D. Bethlehem, the paper on exclusion by G. Gilbert, and the paper on Article ٣١ by G. S. Goodwin-Gill, Parts ٢,١, ٧,١, and ٣,١

١٩. Convention relating to the Status of Refugees (١٩٥١)